| تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۳/۱۹ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۷/۷/۳ |

طراحی نظام جامع حمایت خانواده

فرج‌الله هدایت‌نیا

عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ایران، تهران.

Hedayat47@gmail.com

چکیده

تحکیم خانواده از طریق پیشگیری یا ساماندهی مشکلات آن، دغدغه مهم مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و کارشناسان مسائل اجتماعی است. تا کنون نیز کارشناسان علوم مختلف، طرح‌های متنوعی برای آن ارائه کرده‌اند؛ اما به سبب چندلایه بودن مشکلات خانواده، طرح‌های تک‌ساحتی متخصصان علوم مختلف نتوانسته آن‌طور که انتظار می‌رود برای مدیریت مشکلات خانواده مؤثر باشد. در این پژوهش، در رویکردی میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از علوم مرتبط با خانواده، مناشی آسیب‌های خانواده شناسایی و متناسب با آن نظام جامع حمایت از خانواده در حقوق عمومی ایران طراحی می‌گردد. این طرح مناشی مشکلات خانواده را به نادانی، ناتوانی و نافرمانی بازمی‌گرداند و متناسب با این آسیب‌های سه‌گانه، سه راهبرد کلان «آموزش و مهارت‌افزایی»، «حمایت و توان‌افزایی» و «مشاوره و داوری» را به عنوان مسئولیت‌های مهم دولت برای مهار آنها بررسی، و راهکارهای اجرایی هر یک را تبیین می‌کند.

کلیدواژگان: طرح، نظام، جامع، حمایت، خانواده.

مقدمه

کسـانی که با تعالیم اسـلامی آشنا هستند به‌خوبی می‌دانند که خانواده در اسلام از موقعیت ارزشی ممتازی برخوردار اسـت. نگاه اسـلام به خانواده از سـه اصل اساسی اسـتنباط می‌گردد: تشویق و تسـهیل ازدواج، تحکیـم خانواده، و انحـلال حداقلی آن. قرآن کریم در خطابـی عمومی به تزویج جوانان و تشکیل خانواده فرمان داده و فرموده است: «مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید» (نور: ۳۲). از سـوی دیگر، آیات متعددی از قرآن بر تحکیم خانواده دلالت دارد؛ از جمله آیه ۳۵ سـوره مبارکـه نسـاء که می‌فرمایـد: «اگر از جدایی میـان آن دو بیم دارید پس داوری از خانواده شـوهر و داوری از خانواده زن تعیین کنید؛ اگر سرِ سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد...». منفی‌نگری به طلاق (کلینی، ۱۴۰۷، ج۶، ص۵۴)، تقبیح واسطه‌گری در شقاق و طلاق (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۶ق، ص۲۸۸)، و سـخت‌گیری در فرایند طلاق[1] از جمله مؤیدات اصل طلاق حداقلی در اسـلام اسـت. این اصول در قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران نیز به‌خوبی منعکس شده اسـت. در اصل دهم این قانون آمده اسـت: «ازآنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

بـا توجـه به آنچه گذشـت، انتظار مـی‌رود که خانـواده در جامعه ایرانـی در وضعیت مطلوبی باشـد؛ ولی متأسـفانه چنین نیسـت. آمار بـالا و رو به افزایش طـلاق، خانواده را بـا بحرانی جدی مواجه سـاخته اسـت.[2] تجرد میلیون‌ها جوان ایرانی را نیز باید به این مشـکل افزود.[3] این وضعیت

۱. فقه اسـلامی برای طلاق شـرایطی پیش‌بینی کرده اسـت. توجه به مجموعه شرایط طلاق نشـان می‌دهد که اسلام می‌خواهد از طلاق جلوگیری شود یا روندش به تأخیر افتد. داوری خویشان در منازعات خانوادگی، بطلان طلاق در حال قاعدگی یا نفاس زوجه و لزوم حضور دو شـاهد عادل مرد برای اسـتماع صیغه طلاق از جمله موانعی اسـت که اسلام برای طلاق اندیشیده و حداقل فایده آن، طولانی شدن رسیدگی به دعوای طلاق و احیاناً پیشگیری از طلاق‌های هوس‌مدارانه است.

۲. آمارهای طلاق در جمهوری اسـلامی ایران به وضعیت بسـیار نگران‌کننده‌ای رسـیده اسـت. بنا بر اعلام مراجع رسـمی، در سـال ۱۳۹۷ در کل کشور (۵۴۹،۸۶۱) ازدواج به ثبت رسیده است؛ در حالی که در همین ظرف زمانی، (۱۷۴،۶۹۸) طلاق نیز در کشـور به ثبت رسـیده است (سیف‌الله ابوترابی (سـخنگوی ثبت احوال)، پایگاه خبری، تحلیلـی انتخاب (https://www.entekhab.ir)، تاریخ انتشـار خبـر: ۱۳۹۸/۳/۶، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۸/۳/۶). نسـبت این دو رقم (۳۱،۷۷) به درصد اسـت. این عدد میانگین آمار ازدواج و طلاق در کل کشور است. متأسفانه در بعضی استان‌های کشور وضعیت نگران‌کننده‌تر است. در تهران، آمار طلاق نسبت به ازدواج در سال ۱۳۹۶ از چهل و پنـج درصد نیز فراتر رفته اسـت (پایگاه اطلاع‌رسـانی ثبت احوال ج.ا. ایـران (https://www.sabteahval.ir)، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵).

۳. رسـانه‌ها آمـار جوانان در سـن ازدواج را که هرگز ازدواج نکرده‌اند بیش از یازده میلیـون نفر اعلام کرده‌اند. باید به

همه دلسوزان را به تلاش و تکاپو واداشت تا چاره‌ای بیندیشند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند که «ریشه مشکلات خانواده چیست؟» و «راهبردهای سامان‌دهی مشکلات خانواده کدام است؟». متخصصان دانش‌های مرتبط با خانواده نیز کوشیده‌اند از منظر دانش و حوزه مطالعاتی خود به پرسش‌های یادشده پاسخ بگویند. با توجه به تفاوت نوع نگاه آنان از منظر تخصصی، فهرست‌های متنوعی از مشکلات خانواده ارائه می‌گردد. متخصصان تعلیم و تربیت آسیب‌های اخلاقی‌ای نظیر دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، مقایسه‌گری، سخت‌گیری و کینه‌توزی را از مشکلات خانواده می‌دانند. فقها در بیان مشکلات خانواده به آسیب‌هایی مانند نشوز، شقاق، عیوب موجب فسخ و امراض مقاربتی اشاره می‌کنند. از نظر جامعه‌شناسان مشکلات خانواده عبارت‌اند از: اعتیاد، می‌گساری، فقر، استفاده بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی، خیانت یا روابط فرازناشویی و مانند آن. روان‌شناسان نیز مشکلات خانواده را در عناوین نارسایی جنسی شامل اختلال هویت، اختلال انحراف، اختلال عملکرد جنسی و همچنین بیماری‌های روانی و موارد دیگر طبقه‌بندی می‌کنند. آنان سپس از منظر دانش خود راه‌حل‌هایی را برای هر یک از آسیب‌های فوق ارائه می‌دهند.

مشکلات خانواده چندلایه است و با رویکرد تک‌ساحتی و با استفاده از ظرفیت‌های محدود هر یک از دانش‌ها نمی‌توان آنها را چاره‌جویی کرد. از سوی دیگر، آنچه از مشکلات خانواده در بالا بدان اشاره شد، در حقیقت از نوع معلول است و باید به علل و مناشی آن نیز توجه، و برای مهار آنها طرحی ارائه کرد. به همین دلیل نگارنده در رویکردی فراتر از دانش خاص، و به منظور مصداق‌شناسی، صورت‌بندی و منشأیابی مشکلات خانواده، آنها را به سه منشأ کلی «نادانی»، «ناتوانی»، و «نافرمانی» باز گردانده است.[1] این سه در حقیقت ریشه‌های مشکلات خانواده‌اند و هر یک از آنها طیفی از آسیب‌ها را دربرمی‌گیرند. با توجه به توضیحاتی که در ادامه خواهد آمد، عمده مشکلات اخلاقی، فقهی- حقوقی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی خانواده در این تقسیم سه‌گانه جای می‌گیرند. این سه آسیب کلی ما را به سه راهبرد کلان برای تحکیم خانواده می‌رساند. این سه عبارت‌اند از «آموزش و مهارت‌افزایی»، «حمایت و توان‌افزایی»، و «مشاوره و داوری». توجیه منطقی سه‌گانه بودن راهبردهای کلان تحکیم خانواده آن است که آسیب نادانی با

این آمار، کسانی را که در حالت تجرد ثانوی به سر می‌برند اضافه کرد. مرکز آمار کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ زنان بی‌همسر به علت فوت شوهر یا طلاق را حدود سه میلیون نفر اعلام کرده است (https://www.amar.org.ir).

۱. این طرح برای نخستین بار در کتاب نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران توسط نگارنده این سطور تبیین شد که در فروردین سال ۹۶ منتشر شده است.

آموزش، آسیب ناتوانی با توان‌افزایی، و آسیب نافرمانی با حکمیت و داوری قابل چاره‌جویی است. بدین‌ترتیب منظومه آسـیب‌های خانواده و طرح جامع و نظام‌مندی برای حمایت از خانواده شـکل می‌گیرد.

رویکـرد این پژوهش در بخش راهبردها و راهکارها حقوقی اسـت و به حقوق عمومی خانواده ارتباط دارد. در حقیقت، پژوهش کنونی می‌کوشد مسئولیت‌های حاکمیت را برای حفظ و پایداری خانواده تشـریح نماید. با توجه به این مقدمه، نوشـتار کنونی می‌کوشـد در قسـمت نخست علل و مناشی کلی مشکلات خانواده را بررسی، و در قسمت دوم راه‌حل‌های آن را تبیین کند.

۱. نوشتار یکم: مناشی آسیب‌های خانواده

در رویکردی کلی مشکلات خانواده به سه منشأ کلی «نادانی»، «ناتوانی»، و «نافرمانی» بازگردانده می‌شـود. در حقیقت در پاسخ به این پرسش که چرا روابط همسری آسیب دیده‌اند، ممکن است به یکی از سه علت ندانستن (جهل)، نتوانستن (عجز) یا نخواستن (نشوز) اشاره شود؛ زیرا بر اساس اسـتقرای صورت‌گرفته، مشکلات اشـخاص در روابط میان‌فردی یا برون‌فردی دست‌کم از یکی از این سـه عامل ناشی می‌گردد. این سـه در حقیقت ریشه‌های مشکلات خانواده‌اند و هر یک از آنها طیفی از آسیب‌ها را دربرمی‌گیرند که ساختار کلی آن در نمودار زیر قابل مشاهده است:

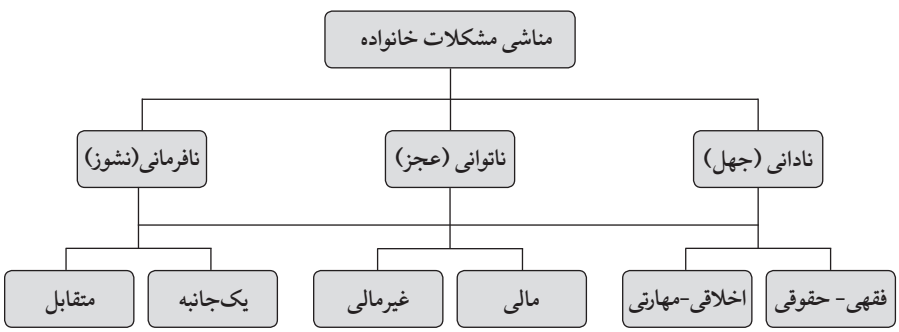

۱-۱. آسیب نادانی

ریشـه بخش درخور توجهی از مشـکلات خانواده نادانی اسـت. گاه منظور از نادانی (جهل) است و به این اعتبار اشـخاص به عالم و جاهل تقسـیم می‌شـوند. مراد از جاهل در این تقسـیم بی‌سواد اسـت. از این معنی در قرآن کریم به «امّی» به معنای درس نخوانده و مکتب نرفته تعبیر شـده است (راغب، ۱۴۱۲، ص۸۷). گاهی نیز منظور از جهل مفهومی مقابل عقل و خرد است و اشخاص به

عاقل و جاهل تقسیم می‌شوند. جاهل در این تقسیم ممکن است عالم باشد، ولی علمی دارد که برایش سودمند نیست.[1] در کتب روایی ما فصلی به «العقل و الجهل» نام‌گذاری شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۱۰). این نام‌گذاری مبین تمایز میان علم و جهل است. با توجه به آنچه بیان شد، نادانی در مفهوم مورد نظر ما با علم قابل جمع است. ممکن است فردی تحصیلات عالی داشته باشد، ولی از آگاهی و بلوغ فکری برای اداره خانواده و مدیریت مشکلات آن بی‌بهره باشد. مفهوم دیگر نادانی «غفلت» یا بی‌خبری یا بی‌توجهی است. در بعضی آیات قرآن، غفلت در مقابل علم بکار رفته است. مانند آیه ۷۴ سوره بقره که در آن آمده است: «وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ»؛ خدا از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست. بنابراین، نادانی در مفهوم مورد نظر ما اعمّ از بی سوادی، بی‌خردی و بی‌خبری است.

بی‌شک، بخش درخور توجهی از طلاق‌های توافقی، از نادانی یا عدم آگاهی زوجین ناشی می‌شود. به شرحی که در ادامه خواهد آمد، نادانی به لحاظ سنخ‌شناسی به فقهی- حقوقی، و اخلاقی - مهارتی تقسیم‌پذیر است.

۱-۱-۱. نادانی فقهی- حقوقی

عدم آگاهی اعضای خانواده از احکام یا حقوق خانواده منشأ پاره‌ای از مشکلات خانواده است. اگر زوجین یا یکی از آنها به احکام یا حقوق و مسئولیت‌های همسری آشنا نباشند، نمی‌توانند مطالبات خود را به‌درستی تنظیم کنند و قادر به تأمین رضایت یکدیگر نخواهند بود؛ مانند مردی که به دلیل عدم آگاهی از حرمت مواقعه در دوران قاعدگی، خواستار همبستری است، ولی زوجه تمکین نمی‌کند؛ یا زنی که نمی‌داند عدم تمکین از شوهر بدون عذر موجه، موجب نشوز است.

۱-۱-۲. نادانی اخلاقی- مهارتی

بایدها و نبایدهای اخلاقی بسی وسیع‌تر از الزامات حقوقی‌اند. اخلاق به تعالی و تکامل خانواده می‌اندیشد و ظرفیت آن در حفظ خانواده و تقویت پیوند همسری بیشتر از حقوق است. قدرشناسی، خشونت‌گریزی در تمام انواع کلامی و غیرکلامی آن، مهرورزی، خطاپوشی، عذرپذیری، سازگاری و موارد فراوان مذکور در آیات و روایات، مجموعاً می‌توانند مودت و رحمت میان زوجین را چونان روزهای نخست زندگی مشترک گرم و با نشاط نگاه دارند.

۱. در حدیثی از امام علی﵇ آمده است: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ [لَمْ يَنْفَعْهُ] لَا يَنْفَعُهُ» (نهج‌البلاغه، ص۴۲۴، حکمت ۱۰۴).

مقصـود از مهـارت در این بحـث، مهارت‌های زندگـی، از جمله مهارت‌های همسـرداری و فرزندپروری است. عدم آگاهی از مهارت‌ها در روابط میان‌فردی منشأ بسیاری از مشکلات خانواده است. ممکن است زن و شوهر به وظایف خود آشنا باشند و مثلاً بدانند که باید به نیازهای عاطفی و جنسی همدیگر پاسخ دهند، ولی غالباً نمی‌دانند چگونه باید این کار را انجام دهند تا به رضایت حداکثری در روابط همسـری دسـت یابند. همچنین ممکن است آنان از زشتی کاری واقف باشند، ولی ندانند چگونه آن را ترک کنند. برای مثال، کمتر کسـی است که نداند خشم یک آسیب اخلاقی اسـت؛ ولی کمتر کسـی از نشانه‌های خشم در بدن خود و همسـرش آگاه است و نمی‌داند چگونه خشم خود را فرو بنشاند یا خشم همسرش را مهار کند. به همین دلیل، فراگیری مهارت‌های زندگی، به‌ویژه مهارت‌های همسـرداری و مهارت‌های زناشـویی سهم بسیار زیادی در حفظ کانون خانواده دارد.

از سـوی دیگـر، بخش درخور توجهی از مشـکلات خانـواده از مداخلات خویشـان و نیز از تهدیدهای رسـانه‌های جدید و دیگر عوامل بیرونی ناشـی می‌گردد. تهدیدهـای بیرونی بر خانواده همیشـه بوده و هسـت؛ ولی مسئله آن است که بسیاری از خانواده‌ها نمی‌دانند چگونه از مداخلات خویشـان و اطرافیان پیشگیری کنند. همچنین آنان از سواد رسانه‌ای لازم برای بهره‌مندی صحیح از رسـانه‌های نوین و مقابله با تهدیدها و آسـیب‌هایش برخوردار نیستند. بدین‌ترتیب به میزان ارتقای سـطح آگاهی اعضای خانواده نسـبت به مهارت‌های زندگی، از مشـکلات خانواده کاسته خواهد شد.

۲-۱. آسیب ناتوانی

ناتوانی در لغت معادل عجز و عدم قدرت بر انجام کاری است (راغب، ۱۴۱۲، ص۵۴۷؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج۳، ص۸۸۳)؛ ولی منظور از آن در این نوشـتار مفهوم فقهی و حقوقی آن اسـت؛ بنابراین شـامل ناتوانـی طبیعـی و حکمی می‌گـردد؛ زیرا در قـرآن و روایات، ضرر (کلینـی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۲۹۲) و حرج (حج: ۷۸؛ مائده: ۶) نفی شـده و در فقه اسـلامی توانایی ضرری یا حرجی در حکم عجز اسـت (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج۱، ص۲۰۹ و ۲۴۷؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص۲۹۶). با این بیان، هر آسـیب جسـمی یا روحی‌ای که زوجین به علت آن نتوانند به وظایف همسری خود به طـور متعارف عمل کند، ناتوانی به شـمار می‌آید. به عبارت دیگـر، هرکس که جز با تحمل ضرر و حرج یا تحمیل ضرر و حرج به دیگری نتواند به وظایف شرعی یا قانونی عمل کند، ناتوان محسوب شده و تکلیف از او ساقط و در حکم ناتوانی است. ناتوانی به این معنا، طیفی از آسیب‌های خانواده

را شامل می‌گردد که مهم‌ترین آنها در نمودار زیر قابل مشاهده است:

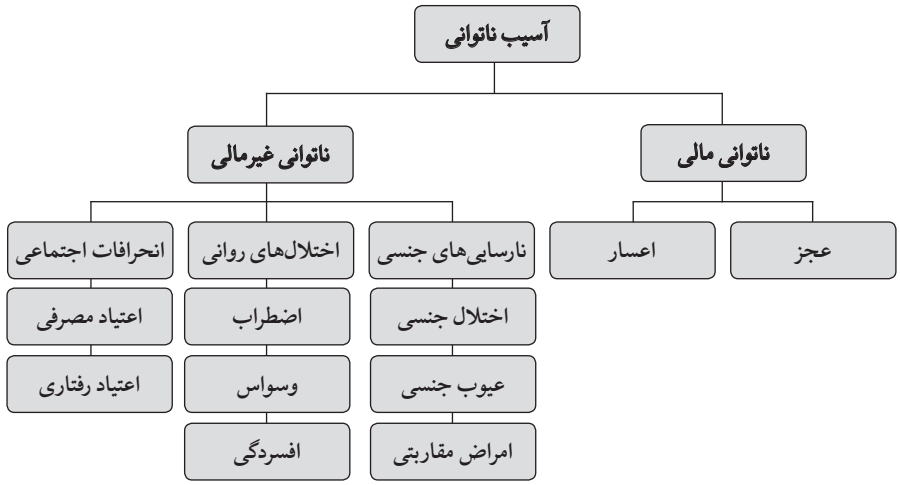

۱-۲-۱. ناتوانی مالی

در روابط همسـری زوجه از مسـئولیت مالی معاف است و بنابراین ناتوانی مالی به زوج اختصاص دارد؛ زیرا تنها اوست که مسئولیت مالی دارد. وی ممکن است به سبب ازکارافتادگی، عاجز از انفاق باشد، یا به علت بیکاری و درآمد ناکافی معسر از انفاق به همسر باشد. همچنین، عقد نکاح زوجه را مسـتحق مهر می‌سازد. اعسار از تسـلیم مهر به‌ویژه در فرضی که مهر المسمی تفاوت فاحشی با مهر المثل یا مهریه عرفی داشته باشد، مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

۲-۲-۱. ناتوانی غیرمالی

برخـلاف امـور مالی، زوجین در بعـد غیرمالی تعهدات مشـترکی دارند. حال اگر یکـی از آنها به دلیلی قادر به ایفای وظایف همسـری به طور متعارف نباشـد، زندگی آنان دوامی نخواهد داشـت. ناتوانـی غیرمالی ممکن اسـت از نارسـایی‌های جنسـی ناشـی شـود؛ مانند اختلال‌های جنسـی (Sexual disorder) اعم از کژکاری‌های جنسـی (Sexual Dysfunction)، انحرافات جنسی (Paraphilia) و اختـلال هویت جسـمی (Gender Identity Disorder). همچنین نارسـایی جنسـی ممکن اسـت ناشـی از امراض مقاربتـی (STD: Sexually transmitted disease) یا عیوب جسـمانی باشـد. نیز ناتوانی در ایفای وظایف خانوادگی ممکن اسـت ناشی از اختلال‌های روانی مانند پرخاشـگری، استرس، و افسردگی یا آسـیب‌های اجتماعی مانند فحشاء و انواع اعتیاد مصرفی و رفتاری باشد.

ناتوانـی غیرمالـی در همه انـواع مزبور زندگی خانوادگـی را از مدار صحیـح و متعارف خارج می‌سـازد؛ تعـادل روانی زوجین را سـلب می‌کنـد؛ به کاهش سـطح رضایت در روابط همسـران می‌انجامد و در درازمدت تهدیدی بر سـلامت جسـمی، روحی و اخلاقی آنان و نیز بقای خانواده خواهد بود.

۳-۱. آسیب نافرمانی

مقصود از نافرمانی، امتناع زوجین از عمل به وظایف شرعی یا حقوقی است. به عبارت دیگر، مراد از نافرمانـی، تمـرد در برابر حکم خدای متعال یا اراده قانون اسـت. از این معنا در ادبیات قرآنی به «نشوز» تعبیر شده است (نساء: ۳۴ و ۱۲۸). واژه «نشوز» در لغت جمع «نَشز» و به معنای برتری، برآمدگی و ارتفاع است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۶، ص۲۳۲). از نظر فقهی نشوز به معنای خروج از طاعت است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص۲۸۲؛ همو، ۱۴۱۸ق، ج۱، ص۱۹۱). ممکن است نافرمانی از سـوی زوجین و به صورت متقابل باشـد که از آن به شـقاق تعبیر می‌شود (نساء: ۳۵)؛ زیرا شِقاق (به کسر) در لغت به معنای دو نیم شدن (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۱۵۰۲) یا مشقت و دشـواری اسـت (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج۶، ص۹۳)؛ و از نظر فقهی بـه کراهت توأم یا خصومت متقابل (حلبـی، ۱۴۱۷ق، ص۳۵۳؛ مروارید، ۱۴۱۰ق، ج۱۹، ص۵۴۴؛ مؤمن سـبزواری، بی‌تا، ص۱۹۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲۴، ص۶۲۲؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج۲۲، ص۲۵۳) یا نشوز متقابل (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۸، ص۳۶۴؛ نجفی، بی‌تا، ج۳۱، ص۲۰۰ و ۲۰۴) معنا شـده است. بنابراین به لحاظ ماهوی شقاق با نشوز فرقی ندارد و تمایز این دو با یکدیگر در آن است که نشوز، یک‌جانبه و شـقاق، متقابل اسـت. نشـوز زوجین ممکن اسـت مالی یا غیرمالی باشـد. با توجه به مسئولیت انحصـاری زوج در تأمین نفقه همسـری، نشـوز مالی تنهـا درباره زوج محقق می‌گـردد و چنانچه زوج به رغم تمکن مالی، نفقه همسـرش را در فرض تمکین نپردازد، ناشز شمرده می‌شود. نشوز در امور غیرمالی به صورت مشـترک در مورد زوجین محقق می‌گردد. هرگاه آنان بدون عذری موجه به وظایف زناشـویی خود عمل نکنند، ناشـز شمرده می‌شـوند؛ مانند ترک قسم و ترک موقعه نسبت به زوج و عدم تمکین نسبت به زوجه.

میـزان درخور توجهی از طلاق‌های غیرتوافقی به نشـوز بازمی‌گردد. هـر گاه یکی از زوجین به وظیفـه همسـری خود عمل نکند، پس از مدتی، طرف دیگر ترجیـح می‌دهد راه خود را از وی جدا سازد و پیامدهای طلاق را از تحمل مشکلات همسری آسان‌تر می‌بیند. به شرحی که بیان می‌گردد، نشوز پیامدهای مدنی و کیفری دارد:

۱-۳-۱. ماهیت مدنی نشوز

امتناع زوج یا زوجه از ایفای وظایف همسری در هر یک از وظایف مالی و غیرمالی به لحاظ مدنی پیامدهایی دارد. امتناع زوجه از تمکین موجب سـقوط حق وی بر نفقه می‌گردد. این مطلب در فقه اسـلامی مسلم است (موسـوی خمینی، ۱۳۹۰، ج۲، ص۳۱۴) و در قانون مدنی (ماده ۱۱۰۸) نیز به‌صراحت ذکر شـده اسـت. افزون بر این، زوج حق دارد همسـر دیگری اختیار نماید، بدون اینکه نیازمند اخذ اجازه از همسـر ناشزه باشـد (ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳). در مقابل، امتنـاع زوج از انفاق، به زوجه حق می‌دهد که درخواسـت طـلاق نماید (ماده ۱۱۲۹ ق.م)؛ زیرا او باید با همسـرش به‌نیکی رفتار کند یا به‌شایسـتگی وی را رها نماید (بقره: ۲۲۹). درباره اثر ناتوانی جنسی زوج برای زوجه و اینکه آیا وی می‌تواند تقاضای طلاق نماید یا خیر، اتفاق نظر وجود ندارد (هدایت‌نیا، سال ۱۳۹۶، ص۵۶)، و قانون مدنی نیز در این باره بیان صریحی ندارد.

۲-۳-۱. پیامدهای کیفری نشوز

در قوانیـن کیفـری جمهوری اسـلامی ایران، از میان مصادیق نشـوز زوجین، تنها تـرک انفاق جرم شمرده شد (ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده سال ۹۱) و درباره دیگر مصادیق آن قاعده و قانونی دیده نمی‌شـود. به عبارت دیگر، در جمهوری اسـلامی ایران نشـوز زوج یا زوجه جرم به شمار نمی‌آید. بلحاظ فقهی نشوز به صورت کلی گناه محسوب می‌گردد. مؤیّد این مطلب آن است که قرآن کریم در آیه ۳۴ سـوره نسـاء، نشوز و اطاعت را در مقابل هم بکار برده است. بنابراین، نشوز عدم اطاعت از احکام خدای متعال در روابط همسری است و عدم اطاعت حرام است. از سوی دیگر، هر عمل حرامی بلحاظ فقهی قابل تعزیر اسـت و حاکم می‌تواند به طریق مقتضی ناشـز را به اطاعت وا دارد (نک: محقق داماد، ۱۴۰۶، ج۴، ص۲۴۷).

۲. نوشتار دوم: راهبردهای کلی تحکیم خانواده

در نوشـتار نخست، مناشی آسـیب‌های خانواده در سه عنوان کلی نادانی، ناتوانی، و نافرمانی تبیین شـد. متناسـب با این عناوین سه‌گانه، سه راهبرد کلی آگاهی‌بخشـی، توان‌افزایی، مشاوره و داوری مطرح می‌گردد. این سـه، مسـولیت‌های کلی حاکمیت برای حمایت و پیشـگیری از آسـیب‌های خانواده است.

۱-۲. آموزش و مهارت‌افزایی

در نوشـتار نخست اشاره شد که ریشه بسیاری از مشکلات خانواده عدم آگاهی به حقوق، اخلاق، و مهارت‌های تشـکیل خانواده و روابط خانوادگی است. در این صورت، از طریق آموزش و ارتقای سطح آگاهی اشخاص نسبت به نحوه تشکیل و اداره خانواده و مقابله با تهدیدهای درونی و بیرونی آن می‌توان بر بسیاری از مشکلات چیره شد. آموزش و ارتقای سطح آگاهی مردم، تکلیفی بر عهده حکومت‌هاسـت. حکومت اسلامی نیز مکلف است آگاهی مورد نیاز را در حوزه‌های مختلف (از جمله سواد زناشویی) در اختیار مردم قرار دهد. در بیانی از حضرت علی﵇ درباره حقوق متقابل مردم و امام (به عنوان رئیس حکومت) آمده است:

أَیهَا الناسُ إِن لِی عَلَیْکُمْ حَقاً وَلَکُمْ عَلَی حَق فَأَما حَقکُمْ عَلَی فَالنصِیحَةُ لَکُمْ وَتَوْفِیرُ فَیْئِکُمْ عَلَیْکُـمْ وَتَعْلِیمُکُمْ کَیْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِیبُکُمْ کَیْمَـا تَعْلَمُوا...؛ (نهج‌البلاغه، ص۴۴)؛ «حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را در راه شما به طور کامل به کار گیرم و شما را تعلیم کنم تا از جهل و نادانی رهایی یابید و شما را تربیت کنم تا فرا گیرید و آگاه شوید...».

در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز به مقوله آموزش خانواده توجه خاصی شده است. در ادامه مستندات حقوقی این مطلب بررسی می‌شود.

۱-۱-۲. آموزش خانواده در اسناد بالادستی و قواعد دستوری

در سیاسـت‌های کلی خانـواده (ابلاغی مقـام معظم رهبـری، ۱۳۹۵/۶/۱۳) الزامات روشـنی در خصـوص آگاهی‌بخشـی و مهارت‌افزایـی دیده می‌شـود. در قسـمتی از بند پنجم آن آمده اسـت: «به‌کارگیـری یک‌پارچه ظرفیت‌های آموزشـی، تربیتی و رسـانه‌ای کشـور در جهـت تحکیم بنیان خانـواده و روابـط خانوادگی». همچنین در بند دهم آمده اسـت: «سـاماندهی نظام مشـاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشـکیل خانواده و تسـهیل دسترسـی به آن بر اسـاس مبانی اسـلامی-ایرانی در جهت استحکام خانواده». در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقـلاب فرهنگی) نیز الزامات حقوقی متعددی درباره آموزش و آگاهی‌بخشـی به جوانان در شـرف ازدواج یا مزدوجین مشـاهده می‌شود. این سند سومین راهبرد کلان را به مسئله مهم «تبیین، تشـکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سـازی خانواده» اختصاص داده و ذیل آن راهبردها و اقدامات ملی فراوانی را ذکر کرده، که از جمله آنها این موارد اسـت: ارتقای مهارت‌های زندگی؛ معرفی و ترویج معیارها و شیوه‌های انتخاب همسر بر اساس آموزه‌های دینی و نقد ملاک‌ها و روش‌های ناهنجار در

این زمینه با بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های موجود به‌ویژه مشاوره خانوادگی؛ تسهیل امر شناسایی و همسرگزینی با بهره‌گیری از روش‌های اصیل خانوادگی سنتی و مشورت‌های افراد حقیقی و حقوقی ذی‌صلاح؛ تدوین منشور مشاوره خانواده و توسعه کمّی، ارتقای کیفی و اصلاح، سامان‌دهی و نظارت و پایش مراکز مشاوره ازدواج و خانواده و خدمات اجتماعی مبتنی بر مبانی، روش‌ها و فنون اسلامی مشاوره؛ تدوین و اجرای برنامه جامع و فراگیر آموزش و مهارت‌آموزی خانواده.

در تصویب‌نامه اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (مصوب ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی) و سیاست‌های کلی جمعیت (ابلاغی، ۱۳۹۳/۲/۳۰) نیز الزامات حقوقی درخور توجهی درباره لزوم آموزش و آگاهی‌بخشی مشاهده می‌شود که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۲-۱-۲. ضرورت آموزش خانواده در قوانین اجرایی

در قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب ۱۳۸۴) الزامات متعددی درباره آموزش پیش‌بینی شده است که از جمله آن الزامات مذکور در ماده پنجم است. در این ماده آمده است:

> دولت مکلف است به منظور تکریم و ترویج سنت حسنه نبوی ازدواج، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب، با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی اقدامات ذیل را انجام دهد: ... د) طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روش‌ها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی از طریق رسانه‌های گروهی، صدا و سیما، کتب درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش دانشگاهی) و آموزش عالی.

افزون بر آن، ماده هشتم قانون تسهیل ازدواج جوانان نیز الزام دیگری را متوجه دولت ساخته است که متن آن بدین شرح است:

> دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های مشاوره برای همسریابی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه [کند] و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد.

ماده سیزدهم این قانون وزرای امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی و کشور را درباره مواد مرتبط با هر یک از این وزارتخانه‌ها مسئول حسن اجرای این قانون در برابر مجلس شورای اسلامی دانسته است.

۳-۱-۲. بایسته‌های آموزش خانواده

بـه رغم وجود الزامـات حقوقی صریح در لزوم آگاهی‌بخشـی و مهارت‌افزایی، مقررات موجود در مقام اجرا چندان جدی گرفته نشده است.[۱] این امر دلایلی دارد که به‌اختصار بدین شرح‌اند:

۱. از جملـه ملزومـات طرح آموزش آن اسـت کـه به تعداد مـورد نیاز، مربی یا آموزشـیار در اختیار باشـد؛ زیرا بار اصلی آموزش یا مشـاوره بر دوش آنهاست. اگر بنا باشد بیش از یازده میلیون جـوان ایرانی در سـن ازدواج، آمـوزش پیش از ازدواج را بگذرانند و نیز لازم باشـد مزدوجین جوان مهارت‌های زندگی و نیز مهارت‌های همسـرگزینی و همسـرداری را بیاموزنـد، باید تا کنون هزاران کارشناس، مربی و مشاور واجد شرایط تربیت شده باشند. متأسفانه حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشـور خود را برای این وضعیت آماده نکرده‌اند و از توان عملیاتی لازم برخوردار نیسـتند. به همین دلیـل، قوانین پیش‌گفته به صورت صوری اجرا می‌شـوند و اطلاعـات مختصری که ارائه می‌گردد، سودمند نیستند؛

۲. مخاطبـان طـرح آموزش خانواده‌ها و به طـور خاص جوانان در شـرف ازدواج یا مزدوجین جوان هسـتند. متأسـفانه برای این نیاز همگانی تقاضا وجود ندارد. جوانان لزومی نمی‌بینند که در دوره‌هـای آمـوزش پیش از ازدواج شـرکت کنند یا به مراکز مشـاوره مراجعه نماینـد. درحالی‌که از رسـانه‌های عمومی، بلکه از رسـانه ملی شـاهد ایجاد تقاضاهای کاذب در حوزه مصرف هسـتیم، درباره مسـئله مورد بحث تلاشی دیده نمی‌شود. براین‌اسـاس لازم است طرح آموزش پیش ازدواج آماده گردد و در آن مشوق‌هایی برای جوانان پیش‌بینی شود؛

۳. یکـی دیگـر از ملزومات طرح آمـوزش جوانان، آماده‌سـازی محتوای آموزشـی به صورت کاربـردی، جـذاب، و منطبـق بـا آموزه‌های علمـی، دربـاره «مهارت‌هـای زندگـی»، «معیارها و مهارت‌های همسـرگزینی»، «مهارت‌های همسـرداری»، و «مهارت‌های فرزندپروری» است. این کار برای ایجاد رویه مشخص و پیش‌گیری از سلیقه‌ای شدن آموزش و احیاناً طرح مباحث کم‌فایده یا ناسازگار با آموزه‌های اسلامی ضروری است.

۱. بـه عنـوان نمونه به گزارش دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شـورای اسـلامی در خصوص نحوه اجرای قانون تسـهیل ازدواج جوانان که در تاریخ ۸۹/۰۶/۲۷ منتشـر گردید اشـاره می‌شود. در قسمتی از این گزارش چنین آمده اسـت: «قانون تسـهیل ازدواج جوانان به منظور حل مسائل و مشکلات مربوط به ازدواج جوانان در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ به تصویب مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۷ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت...، اکنون چهار سال از زمان تصویب این قانون می‌گذرد اما هنوز هم اجرای این قانون، معطل ایجاد صندوق اندوخته ازدواج جوانان (ماده ۱) و تدوین آیین‌نامه اجرایی آن (ماده ۱۱) است...» (http://rc.majlis.ir/fa/news/show/۷۸۱۹۶۵).

۲-۲. حمایت و توان‌افزایی

در برخی موارد، به رغم آگاهی زوجین از مسئولیت‌های همسری، آنان قادر نیستند به مسئولیت‌های خویش عمل کنند. به شـرحی که قبلاً آمد، ناتوانی به مالی و غیرمالی تقسـیم می‌گردد، و به همین دلیل، راهبرد حمایت نیز به «فقرزدایی» و «درمانگری» قابل تقسیم است:

۱-۲-۲. فقرزدایی

اغلب اشخاص پیامدهای فقر را دست‌کم در مقطعی از زندگی خویش تجربه کرده‌اند و این موضوع بی‌نیاز از اقامه دلیل و برهان اسـت. در روایات اسـلامی نیز به پیامدهای اعتقادی و اجتماعی فقر اشـاره شـده اسـت که از ذکر آنها خودداری می‌گردد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۳۰۷ و ج ۸، ص۲۰؛ عاملی، وسـائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۹ و ج۱۵، ص۳۶۶؛ نهج‌البلاغه، ص۴۷۲، حکمت ۳۱۱). آثـار فقر در خانـواده از جهتی مخرب‌تر از آثار اجتماعی آن اسـت. فقر زمینه اجرای بخش مهمی از آموزه‌های دینی و احکام حقوقی در روابط همسران را از بین می‌برد. مهر و نفقه از تعهدات شـوهر اسـت که عمل به آن نیازمند تمکن مالی اسـت. همچنین فقر بر تعاملات عاطفی و جنسی زوجین تأثیر سوء دارد. به همین دلیل در اسلام و قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران برای دولت مسئولیت‌های مهم اقتصادی‌ای در قبال خانواده، بدین شرح پیش‌بینی شده است:

۱. نظام اسلامی در خصوص حمایت مالی از خانواده مسئولیت محوری دارد. به روایت موسی بن بکر، امام موسـی‌بن‌جعفر علیه‌السلام فرموده اسـت: هر کس از راه حلال در مقام کسب درآمدی باشد تا با آن خود و خانواده‌اش را اداره کند، مثل شـخصی اسـت که در راه خدا جهاد نماید. اگر از عهده کسب برنیامد، باید از خدا و پیغمبر (از بیت‌المال) به اندازه قوت خانواده‌اش وام بگیرد. پس در این صورت اگر بمیرد و دینش را ادا نکرده باشـد، پرداخت آن بر عهده امام اسـت. اگر امام از پرداخت دین خودداری کند، مسئول است. خداوند عزوجل می‌فرماید: صدقات مخصوص فقرا، مساکین و مأموران وصول صدقات است. کسی هم که از پس کسب درآمد برای خانواده برنیاید، فقیر، مسکین و وام‌دار است (طوسی، ۱۳۶۵، ج۶، ص۱۸۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۹۳)؛

۲. در اسـناد بالادستی و قواعد دسـتوری جمهوری اسلامی ایران بر مسئولیت اقتصادی دولت در قبال خانواده تأکید شـده اسـت؛ مانند سیاسـت‌های کلی خانواده (ابلاغی مقام معظم رهبری، ۹۵/۶/۱۳) که در قسـمتی از آن آمده است: «ارتقای معیشـت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشـتغال، ازدواج و مسکن». نیز در قسمتی دیگر آمده اسـت: «ایجاد فرصت برای حضـور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و اسـتفاده مؤثر

خانـواده از اوقـات فراغت به صورت جمعی». همچنین در تصویب‌نامه «اهداف و اصول تشـکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، مصوب ۱۳۸۴/۰۴/۰۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی» و در بخـش راهبردهـای مربـوط به هدف دوم، بـر «اتخاذ تدابیر مناسـب جهت اصـلاح قوانین و ساختارهای حقوقی، اقتصادی و فرهنگی برای پیشگیری از وقوع طلاق» تأکید شده است. در بخش سیاسـت‌های اجرایی مربوط به آن نیز نکات قابل توجهی دیده می‌شـود؛ از جمله: ایجاد تسهیلات لازم جهـت حمایـت مادی و معنوی خصوصاً از خانواده‌های جوان در دوران تحصیل و سـربازی؛ تقویت مشـارکت خانواده‌ها و اقـدام در تأمین نیازهای اقتصادی و مـادی زوج‌های جوان به هنگام ازدواج؛ ترویـج دیدگاه‌های صحیح اجتماع در خصوص تقلیـل هزینه‌های ازدواج از قبیل جهیزیه سـبک، مهریه متناسـب و کاهش هزینه‌های جشـن ازدواج و پرهیز از تحمیل هزینه‌های سـنگین؛ تواناسـازی اعضـای خانواده از طریق کسـب مهارت‌هـای لازم، به منظور تأمین نیازهای اساسـی خانواده از طریق نظام آموزش رسمی و فرهنگ عمومی. همچنین در نقشه مهندسی فرهنگی کشور، سیاست‌های کلی جمعیت، و قانون تسهیل ازدواج جوانان، تدابیر اقتصادی متعددی پیش‌بینی شده است که ذکر آنها به طولانی شدن این نوشتار می‌انجامد.

۲-۲-۲. درمانگری

تحکیم خانواده مستلزم تواناسازی زوجین از طریق پیشگیری یا رفع آسیب‌های جسمی، جنسی، و روحی- روانی است. بدین ترتیب لازم است مباحث این قسمت در دو بند دنبال شوند:

۱) پیشگیری از ازدواج‌های آسیب‌زا: شناسایی و درمان نارسایی‌های جنسی، بیماری‌های روانی و انحرافات اجتماعی دشـوار اسـت و به همین دلیل پیشگیری به‌مراتب آسـان‌تر و مؤثرتر از درمان اسـت. لزوم پیشـگیری از ازدواج‌های آسیب‌زا از گذشـته مورد توجه قرار داشته و در قانون حمایت خانواده جدید نیز مقررات نسبتاً جامعی در این زمینه دیده می‌شود. در قسمتی از ماده ۲۳ این قانون آمده اسـت: «دفاتر رسـمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح، گواهی صادرشـده از سـوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلاء به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسـینه شـدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند». همچنین در تبصره این قانون آمده اسـت: «چنانچه گواهی صادرشده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسـری و خطرناک که نام آنها به وسـیله وزارت بهداشـت، درمان و آموزش پزشـکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین‌شده معرفی می‌شوند»؛

۲. درمان آسیب‌های زناشویی: درمان آسیب‌های روابط همسری مستلزم اتخاذ سازوکاری برای شناسایی آنهاست. شناسایی بعضی آسیب‌ها مانند اعتیاد چندان دشوار نیست؛ ولی شناسایی بعضی آسیب‌های دیگر مستلزم مداخله کارشناسان یا مشاوران است. این کار با تعامل محاکم قضایی و مراجع کارشناسی صورت می‌گیرد. بهره‌گیری از کارشنان در دعاوی خانواده برای شناسایی علت منازعه، سال‌ها پیش در «طرح تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص» کانون توجه قرار گرفته بود. در قانون حمایت خانواده جدید فصلی به «مراکز مشاوره خانوادگی» اختصاص یافته است. مطابق ماده ۱۶ این قانون، قوه قضائیه مکلف شده است که به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند. مطابق ماده هفدهم این قانون، ترکیب اعضای مراکز مشاوره چنین است: «اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند». با توجه به عضویت روان‌پزشکان و روان‌شناسان در مراکز مشاوره، این مرکز از ظرفیت بالایی در شناسایی اختلال‌های مورد بحث برخوردار است.

با پیشرفت علوم روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پزشکی، ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و میان‌فردی قابل تشخیص شد و درمانشان مقدور گردید.[1] بدین‌ترتیب با درمان آسیب‌های زنان و مردان می‌توان از آثار و پیامدهای این آسیب‌ها جلوگیری کرد. البته این پایان راه نیست و دانش بشر در شناخت خود در میانه راه و بلکه آغاز راه است. کارشناسان درمان‌های متنوعی را برای اختلالات و انحرافات جنسی ذکر می‌کنند (آذر و نوحی، ۱۳۸۷، ص۹-۱۵۰). رفتاردرمانی، شناخت‌درمانی، روان‌کاوی، دارودرمانی، استفاده از برخی دستگاه‌های ویژه و هیپنوتیزم‌درمانی، روش‌های شناخته‌شده درمان اختلال یا انحرافات جنسی هستند (هالجین و دیتبورن، ۱۳۹۱، ج۲، ص۵۰).

درباره درمانگری باید به نکته مهمی اشاره شود: گاهی فردی به لحاظ جنسی بیمار و به لحاظ مالی ناتوان از تأمین هزینه درمان است. در حقیقت در این فرض دو آسیب ناتوانی مالی و غیرمالی جمع شده است. بدین‌ترتیب این فرد مستحق دریافت خدمات درمانی همراه با تأمین هزینه درمان است.

۱. دکتر قره‌داغی (مدیر کل پژوهش و منابع علمی سازمان پزشکی قانونی) می‌گوید: با اطمینان می‌توان گفت ۱۰۰ درصد موارد ناتوانی جنسی در مردان یا با دارودرمانی یا جراحی کاملاً درمان می‌شود (http://jamejamonline.ir/sara/۱۲۷۷۳۹۳۱۱۷۳۴۵۶۱۳۰۳۴ تاریخ مراجعه: ۹۴/۱۰/۳).

۳-۲. مشاوره و داوری

سـومین منشـأ مشـکلات خانواده نافرمانی یـا امتنـاع زوجین از ایفای وظایف همسـری اسـت. همان‌طور که قبلاً اشـاره شـد، از این آسیب در ادبیات فقهی به نشوز تعبیر می‌شود. برای این آسیب دو راهکار وجود دارد: نخست، حکمیت یا داوری خویشان، و دوم مشاوره. حکمیت مصدر جعلی از «حَکَم» و آن در لغت به معنای «منع» است. البته نه مطلق منع، بلکه منعی که با هدف اصلاح و تصحیح کجی صورت می‌گیرد (راغب، ۱۴۱۲، ص۲۴۸). ازاین‌رو به لگام چهارپا «حکمة الدابه» می‌گویند؛ زیرا مانع سرکشی وی می‌شود و حیوان را رام و مطیع می‌سازد (همان). در سایر مشتقات این واژه نیز همین معنا به اضافه خصوصیتی که از وزن و قالب خاص آن ناشـی می‌شـود وجود دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج۲، ص۲۶۴).

به دلایلی که در ادامه نوشـتار تشـریح می‌شود، رسیدگی قضایی محض در حفاظت از خانواده کم‌توفیق اسـت، درحالی‌که نهاد قرآنی حکمیت یا داوری در صورتی که به‌درسـتی عملیاتی شـود، می‌تواند بسیاری از مشکلات خانواده را برطرف سازد.

۱-۳-۲. ظرفیت‌های داوری در تحکیم خانواده

قـرآن کریم آیه‌ای را به مسـئله حکمیت یـا داوری اختصاص داده و در آن به شـرایط داوران و نقش آنان در ایجاد سـازش میان زوجین اشـاره کرده است. خداوند سـبحان در آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «اگر از جدایی میان آن دو بیم دارید، پس داوری از خانواده شـوهر و داوری از خانواده زن تعیین کنید. اگر سرِ سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است».

داوری در شمار شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)[1] قرار می‌گیرد. این اصطلاح در حقـوق ایران دو کارکرد متفاوت غیرقضایی و شـبه‌قضایی دارد. داوری در قانون حمایت خانواده یـک نهـاد کاملاً «غیرقضایـی» و هدف آن صلح و سـازش اسـت. این مطلب در مـاده ۲۷ قانون حمایت خانواده به صراحت بیان شده است. مطابق این قانون، «در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند». همانطور که مشـاهده می‌شـود، در این قانون برای داوران صلاحیت صدور رأی پیش‌بینی

1. Alternative Dispute Resolution.

نشده است و صدور رأی پس از داوری و با توجه به نتیجه آن توسط دادگاه صورت می‌گیرد. بنابراین، داوری در قانون حمایت خانواده مانند مرکز مشاوره صرفاً برای صلح و سازش است.

بر خلاف داوری در قانون حمایت خانواده، داوری در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی یک نهاد شبه‌قضایی است. در مواد متعددی از قانون آیین دادرسی از «رأی داوری» و شرایط اعتبار آن سخن به میان آمده است؛ مانند ماده ۴۸۱ درباره موارد از بین رفتن رأی داوری، ماده ۴۸۲ درباره لزوم موجّه و مدلّل بودن رأی داور، و ماده ۴۸۹ درباره موارد بطلان رأی داور. حقوقدانان نیز برای داوری و رأی داور در آیین دادرسی مدنی اعتبار امر قضاوت شده قایل شده‌اند. بعضی اساتید حقوق در این خصوص چنین گفته‌اند: «داور کسی است که قانون به طور موقت و در مورد خاص وظیفه دادرسی را به او میسپارد، و هنگام اجرای وظایف خویش یک مأمور عمومی است. نظر داور، مانند رأی دادگاه بر حسب طبیعت خود دارای اعتبار امر قضاوت شده است و دادگاه نمی‌تواند دعوایی را که به داوری پایان بافته است بشنود»؛ (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص۱۳۷؛ و ن.ک: واحدی، بی‌تا، ص۳۸۵؛ متین دفتری، ۱۳۷۸، ج۱، ص۹۵).

مهم‌ترین مزیت داوری بر دادرسی در دعاوی خانواده رویکرد «خانواده‌محوری» آن است. در رویکرد خانواده‌محور، آنچه مورد حمایت قرار می‌گیرد مصالح کلان و نیازهای همه اعضای خانواده است؛ به همین دلیل تلاش می‌شود تا طرفین مصالحه نمایند و یا دست‌کم تصمیمی گرفته شود که به بقای خانواده کمک کنند. این در حالی است که روش قضایی معمولاً فردمحور است. دادرس در پی کشف حقیقت و احقاق حق است و نتیجه رسیدگی، صدور رأی به سود یک طرف دعوی و علیه طرف دیگر دعوی است. در روش قضایی که هدف آن احقاق حق با ابزار خشک حقوقی است، نوعاً مصالح کلان خانواده در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، برخی مشکلات نهاد خانواده به روش قضایی قابل حل نیستند؛ مانند طلاق توافقی که در سال‌های اخیر آمارش افزایش چشمگیری داشته است و از کاهش سطح رضایت در روابط همسران ناشی می‌شود.

۲-۳-۲. ارزیابی کارآمدی داوری و مشاوره در تحکیم خانواده

نص قانون اساسی آن است که هدف ایجاد دادگاه خانواده «حفظ کیان و بقای خانواده» است (بند سوم اصل ۲۱). برای دستیابی به این هدف در معیت دادگاه خانواده مراکز داوری و مشاوره ایفای نقش می‌کنند. مراکز داوری سال‌های متوالی است که در محاکم خانواده به ایفای نقش می‌پردازند، ولی نتوانسته‌اند آن‌طور که باید گرهی از مشکلات خانواده باز کنند و در ایجاد سازش میان زوجین کم‌توفیق بوده‌اند. هرچند آمارهای دقیقی از عملکرد مراکز داوری در محاکم خانواده

ارائه نشـده، ولی بررسـی‌های موردی نگارنده حکایت از آن دارد که سـهم داوران در ایجاد سازش میان زوجین بسـیار ناچیز بوده اسـت (هدایت‌نیا، ۱۳۸۷، ص۲۵۷). دلیل این وضعیت آن اسـت که شـرایط و ویژگی‌های داوری در حقوق خانواده جمهوری اسـلامی ایران با ماهیت و ویژگی‌های قرآنی یا فقهی آن انطباق‌پذیر نیسـت. عدم رعایت شـرط قرابت و شرط خبرویت، انگیزه اقتصادی داوران و فقدان قصد اصلاح از جمله علل مهم کم‌توفیقی نهاد داوری در پیشـگیری از طلاق اسـت (همان، ص۲۶۰).

مراکز مشاوره با قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۱ وارد چرخه دادرسی در دعاوی خانواده شـده‌اند و به دلایلی که شرحشـان خارج از هدف این نوشتار است، هنوز عملاً و به صورت فراگیر آغـاز به کار نکرده‌اند. به همین دلیل ارزیابی‌ای از درجـه تأثیرگذاری آنها در فرایند تحکیم خانواده صورت نگرفته است.

۳-۳-۲. طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوری

قانـون حمایـت خانواده جدید برای پیشـگیری از طـلاق دو مرکز داوری و مشـاوره پیش‌بینی کرده اسـت. مطابق مواد ۲۵ و ۲۷ قانون حمایت خانواده، طلاق توافقی در صلاحیت مرکز مشـاوره قرار گرفته است و دیگر طلاق‌ها در صلاحیت داوری قرار دارند. تعدد مراکز مشاوره و داوری و تفکیک صلاحیت‌های آنها مشـکلات نظری و اجرایی دارد که شرحشـان از هدف این نوشتار خارج است. بنا به شـرحی که در ادامه خواهد آمد، بهتر اسـت مرکز جامعی که واجد مزیت‌ها و صلاحیت‌های مراکز مشـاوره و داوری باشـد، جای‌گزین این دو گردد. این طرح به ارتقای قابلیت‌های نهاد داوری می‌انجامد. در ادامه ساختار طرح و ظرفیت‌های آن تشریح می‌گردد.

یکم: ساختار طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوری

بر اسـاس پیشـنهاد نگارنده، مرکز جامع داوری و مشاوره از ساختار دوگانه برخوردار است؛ بعضی اعضای آن ثابت و بعضی دیگر متغیر خواهند بود. برای اعضای ثابت مرکز جامع داوری و مشاوره، همان ترکیب مرکز مشـاوره در ماده هفدهم قانون حمایت خانواده جدید بسیار مناسب است؛ یعنی گروهی متشـکل از روان‌شناس، روان‌پزشک، حقوق‌دانان و دیگر تخصص‌های مرتبط. بدین‌ترتیب مرکز جامع داوری و مشاوره دست‌کم سه یا چهار عضو ثابت از کارشناسان مختلف خواهد داشت و با وجود این اشخاص، مرکز جامع از توان کارشناسی بالایی برخوردار می‌گردد. افزون بر اعضای ثابـت، مرکز جامع داوری و مشـاوره اعضای متغیر نیز خواهد داشـت. اقـارب صاحب صلاحیت

زوجیـن طـرف دعوی، اعضـای متغیر مرکز جامع داوری و مشـاوره خواهند بود. ممکن اسـت در بعضی موارد از دوسـتان یا مرتبطین زن و شـوهر نیز به عنوان مطلع یا گواه در جلسـات مرکز جامع دعـوت بـه عمل آید. نیز ممکن اسـت به اقتضای علـل اختلاف زوجین، حضـور افراد متخصص دیگری غیر از آنچه در بند سـابق بیان شـد سـودمند باشـد. افزون بر همه آنها، زن و شوهر طرفین دعوی هستند و حضور آنان دست‌کم در بعضی جلسات ضرورت دارد. بنابراین آنان اعضای متغیر مرکز جامع خواهند بود.

مرکز مشاوره به ترتیبی که در قانون حمایت خانواده ذکر شده است، از توان کارشناسی مطلوبی برخوردار اسـت؛ ولی مشـکلش این اسـت که اقارب زوجین در آن حضور ندارند. در طرح تلفیق، حضور اقارب زوجین در مرکز جامع داوری و مشاوره، آن را به طرح قرآنی حکمیت نزدیک خواهد کرد.

دوم: ظرفیت‌های طرح طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوری

طرح تلفیق، ظرفیت‌های مثبت مراکز مشـاوره و داوری را جمع می‌نماید و از این طریق توان دادگاه خانـواده در حفظ کیان و بقای خانواده ارتقا می‌یابد. ظرفیت کارشناسـی و اصلاحی مرکز جامع به شرح زیر است:

۱. ظرفیت کارشناسی مرکز جامع داوری و مشاوره: ریشه‌ها یا علل مشکلات خانواده از جهتی به درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. ناآگاهی زوجین از مهارت‌های همسرداری یا زناشویی، ابتلای زوجین به اختلال‌های جنسی، بیماری‌های روانی، امراض مقاربتی و مانند آن، علل درون‌خانوادگی مشـکلات آنان اسـت. گاهی ریشه مشـکلات زوجین مداخله‌های اطرافیان و علل برون‌خانوادگی اسـت. ظرفیت کارشناسی مراکز مشـاوره و داوری در مشکلات مزبور متفاوت است. مرکز مشاوره یک تیم کارشناسی است و این وضعیت می‌تواند توان کارشناسی مرکز مشاوره را در زمینه مشکلات درون‌خانوادگی یا مشکلات فردی و میان‌فردی ارتقا بخشد، درحالی‌که داوری یا حکمیت در قانون حمایـت خانـواده چنین ظرفیتی نـدارد. البته در خصوص مشـکلات برون‌خانوادگی یـا فرافردی، وضعیت به‌عکس اسـت. اعضای مرکز کارشناسـی با زوجین رابطه خویشاوندی ندارند و به همین دلیل به‌آسـانی نمی‌توانند علل برون‌خانوادگی را شناسـایی کنند؛ درحالی‌که داوری می‌تواند چنین کارکردی داشته باشد.

با توجه به آنچه بیان شـد، تلفیق مراکز مشـاوره و داوری به ارتقای توان کارشناسـی مرکز جامع می‌انجامـد. گروهی متشـکل از کارشناسـان و خویشـان زوجین به‌آسـانی می‌تواننـد علل فردی،

میان‌فردی و فرافردی مشکلات خانواده را شناسایی، و برایش راه‌حل ارائه کنند؛

۲. ظرفیت اصلاحی مرکز جامع داوری و مشـاوره: در بند سابق ظرفیت کارشناسی مرکز جامع داوری و مشـاوره تبیین گشـت و روشن شد که مرکز مزبور با توجه به ترکیب اعضای آن قادر خواهد بود علل واقعی اختلاف را شناسـایی و برایش راه‌حل ارائه کند. اینک اشاره می‌گردد که تصمیم‌ها یا مصوبات مرکز جامع در جهت اصلاح میان زوجین و پیشـگیری از طلاق واقع‌بینانه اسـت و همین ویژگـی، آن را از قابلیت اجرایی برخوردار می‌سـازد. افزون بر این، ممکن اسـت زوجین در مقابل تصمیم‌هـا یـا مصوبات مرکز جامـع مقاومت کننـد و آن را نپذیرند. حضور اقـارب بانفوذ و مطلع زوجیـن بـه مرکز جامع کمک می‌کند تا از نفـوذ آنان برای متقاعد کردن زوجیـن و انصراف آنان از طلاق بهره جویند. از سوی دیگر، حل ریشه‌ای اختلاف نیازمند نظارت بر اجرای تصمیمات مرکز جامع اسـت. حضور اقارب زوجین در مرکز جامع این امـکان را فراهم می‌آورد که بتوانند بر فرایند اجرای مصوبات خود نظارت کنند و در صورت لزوم، جلسـات خود را با دعوت از زوجین، تکرار و از بازگشت آنان به وضعیت سابق پیشگیری نمایند.

قبلاً اشـاره شـد که قوانین فعلی صلاحیت مرکز کارشناسی و داوری را به دعوای طلاق محدود کرده اسـت. اینک لازم اسـت اشـاره شـود که مرکز جامع با توجه به توان کارشناسـی و اصلاحی ذکرشـده می‌تواند مرجع قابل اعتمادی برای رسـیدگی غیرقضایی به همه مشکلات خانواده باشد و بار سنگین محاکم قضایی را کم نماید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مشـکلات خانواده به سـه منشـأ کلی نادانی، ناتوانی و نافرمانی بازگردانده شـد و سـه راهبرد کلی برای مقابله با آنها و تحکیم خانواده بررسـی گشـت. طرح آموزش و آگاهی‌بخشی در ابعـاد حقوقی، اخلاقـی و مهارتی؛ طرح حمایت و توان‌افزایی شـامل فقرزدایی و درمانگری؛ و طرح مشـاوره و داوری، مجموعاً یک بسـته کامل حمایتی اسـت که می‌تواند مشـکلات خانواده را سامان‌دهی کند.

در قوانیـن و مقررات خانواده، الزامـات حقوقی متنوعی در خصوص آمـوزش، مهارت‌افزایی، حمایت و درمانگری مشاهده می‌شود؛ هرچند مخاطبان قانون نسبت به اجرای آن قصور ورزیده‌اند و غرض قانون‌گذار تأمین نشـده اسـت. مقررات مربوط به داوری در محاکم خانواده با آنچه در فقه اسـلامی مطـرح می‌گردد انطبـاق ندارد و نمی‌تواند مؤثـر واقع گردد. در عمل نیـز داوران در ایجاد سازش میان زوج‌ها کم‌توفیق هستند. به همین دلیل این نوشتار طرح ارتقای داوری را از طریق تلفیق

مراکز مشـاوره و داوری بررسـی می‌کند و به جای داوری فردی، داوری گروهی متشـکل از اعضای ثابت (کارشناسـان مختلف و مرتبط با مسـائل خانواده) و متغیر (زوجین و اقارب آنان) را پیشـنهاد می‌نماید. داوری سـازمانی یا سـازمان داوری با ترکیب فوق از توان کارشناسـی و اصلاحی بسـیار مطلوبی در مسائل خانواده برخوردار خواهد بود.

منابع

۱. **قرآن کریم**.
۲. **نهج البلاغة (۱۴۱۴ق)**. قم: مؤسسه نهج‌البلاغه.
۳. آذر، ماهیار، و نوحی، سیما، (۱۳۸۷). **راهنمای کاربردی درمان اختلالات عملکرد جنسی**. تهران: انتشارات معین. چاپ دوم.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین. چاپ چهارم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام، چاپ اول.
۷. حلبی (ابن زهره)، حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق). **نیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع**. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
۸. حلی (محقق)، جعفر بن الحسن (۱۴۰۸ق). **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. _____ (۱۴۱۸ق). **المختصر النافع فی فقه الإمامیة**. قم: مؤسسة المطبوعات الدینیة. الطبعة السادسة.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت-دمشق: دارالعلم ـ الدار الشامیة.
۱۱. روحانی، سیدمحمد صادق،(۱۴۱۲ق). **فقه الصادق**. قم: مؤسسة دار الکتاب. چاپ سوم.
۱۲. ریچار پی. هالجین و سوزان کراس دیتبورن، (۱۳۹۱). **آسیب‌شناسی روانی**. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان. چاپ یازدهم.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵). **تهذیب‌الأحکام**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۴. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**. قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**. قم: نشر هجرت. چاپ دوم.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی. تهران: کانون وکلای دادگستری مرکز. چاپ چهارم.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۸. محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶). **قواعد فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. چاپ دوازدهم.
۱۹. متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد. چاپ اول.
۲۰. مروارید، علی‌اصغر (۱۴۱۰ق). **سلسلة الینابیع الفقهیة**. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.

۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. مصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۱ق). **مائة قاعدة فقهیة**. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ چهارم.
۲۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن ، (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیة**. قم: نشر الهادی. چاپ اول.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰). **تحریر الوسیلة**. قم: مؤسسة مطبوعاتی إسماعیلیان. چاپ دوم.
۲۵. مؤمن سبزواری، محمد باقر بن محمد (بی‌تا). **کفایة الأحکام**. اصفهان: انتشارات مهدوی.
۲۶. نجفی، محمدحسن (بی‌تا). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم.
۲۷. واحدی، قدرت‌الله (بیتا). بایسته‌های آیین دادرسی مدنی. تهران: نشر میزان. چاپ سوم.
۲۸. هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۶). **کارکردهای اصل عفاف در حقوق خانواده، حقوق اسلامی**. سال سیزدهم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۵۱، ص۶۹-۴۱:
۲۹. _____ (۱۳۸۷). **داوری در حقوق خانواده**. تهران» پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. _____ (۱۳۹۶). **نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.